



نگاهی به بالا

استعدادهای درخشان در نگاه اسناد فرادستی نظام آموزش و پرورش

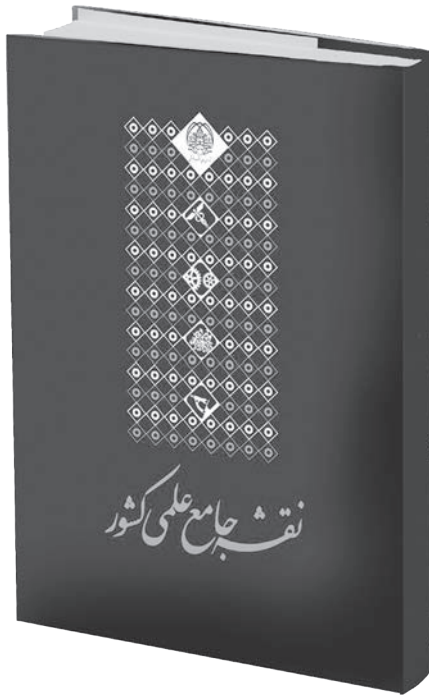
در سال ۱۳۷۸، ضرورت توجه به موضوع «افق آینده» در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور، در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بحث قرار گرفت. پس از ارائه گزارش این بحث به حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی)، ایشان این مسأله را یک «حلقه مفقود راهبردی» دانسته و مجمع را مأمور به تدوین چشم‌انداز بیست‌ساله کشور کردند.

متن پیشنهادی چشم‌انداز پس از چند سال کار در مجمع تشخیص مصلحت نظام، تقدیم رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) شد که در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۸۲ به تأیید و تصویب ایشان رسید و برای اجرا به قوای سه‌گانه کشور ابلاغ شد. در چشم‌انداز ابلاغی، سال ۱۳۸۴ به عنوان نخستین سال اجرای سند و سال ۱۴۰۴ هجری شمسی به عنوان افق چشم‌انداز تعیین شده است.

در پی تصویب و ابلاغ سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران، ضرورت هم‌جهت بودن سیاست‌ها و اقدامات کلان کشور با این سند ملی، نهادها و سازمان‌های مختلف کشور را بر آن داشت تا اقدام به تدوین اسناد پایین‌دستی نمایند. «نقشه جامع علمی کشور»، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» سه سند مهم ملی هستند که طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ در راستای تحقق چشم‌انداز بیست‌ساله کشور تدوین شده‌اند.

در این اسناد فرادستی، در سطوح مختلف اشاراتی به مبحث پرورش استعدادها برتر شده است. در پرونده این شماره، مروری بر این اشارات و نسبت مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و دانش‌پژوهان جوان با این اسناد خواهیم داشت.

رضا گلشن مهرجودی



نقشه جامع علمی کشور

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار خود با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۳ دی ۱۳۸۴، بحث توسعه علمی کشور را مطرح کردند و خواستار فعالیت شورا در این زمینه شدند. ایشان در دیدار ۲۳ مرداد ۸۵ با رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی نیز مطالبه تدوین نقشه جامع علمی کشور را به طوری که «که از دبستان تا آموزش عالی را در نظر گرفته، برای همه رشته‌ها به صورت متوازن برنامه‌ریزی کرده و کل چرخه تولید، انتشار و مصرف علم و تجاری‌سازی دستاوردهای علمی و فناوریانه را مدنظر قرار

دهد» مورد تأکید قرار دادند. در اجرای دستور رهبر معظم انقلاب اسلامی، کار تدوین متن نقشه جامع علمی کشور هم‌زمان در شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری آغاز شد. پس از چند نوبت تدوین پیش‌نویس‌های پیشنهادی و تشکیل کارگروه‌های تلفیق و نهایی‌سازی آنها، متن نقشه جامع علمی کشور در ۱۴ دی ۱۳۸۹ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید.

نقشه جامع علمی کشور که بنا به تعریف «مجموعه‌ای است جامع، هماهنگ، پویا و آینده‌نگر، شامل مبانی، اهداف، سیاست‌ها و راهبردها، ساختارها و الزامات تحول راهبردی علم و فناوری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله کشور» در پنج فصل تدوین شده است: (۱) ارزش‌های بنیادین و الگوی نظری نقشه جامع علمی کشور؛ (۲) وضع مطلوب علم و فناوری؛



(۳) اولویت‌های علم و فناوری کشور؛ (۴) راهبردها و اقدامات ملی برای توسعه علم و فناوری در کشور؛ (۵) چارچوب نهادی علم، فناوری و نوآوری.

در این سند چشم‌انداز علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی به این صورت بیان شده است:

«جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی در علم و فناوری، با اتکال به قدرت لایزال الهی و با احیای فرهنگ و برپایی تمدن نوین اسلامی - ایرانی برای پیشرفت ملی، گسترش عدالت و الهام بخشی در جهان، کشوری خواهد بود: برخوردار از انسان‌های صالح، فرهیخته، سالم و تربیت شده در مکتب اسلام و انقلاب و با دانشمندانی در طراز برترین‌های جهان؛ توانا در تولید و توسعه علم و فناوری و نوآوری و به‌کارگیری دستاوردهای آن؛ پیش‌تاز در مرزهای دانش و فناوری با مرجعیت علمی در جهان.» مهم‌ترین اشاره‌ها و دلالت‌های موجود در این سند که مرتبط با آموزش و پرورش دانش‌آموزان صاحب استعدادها برتر است، به این شرح می‌باشد:

۱- در فصل نخست سند با عنوان «ارزش‌های بنیادین و الگوی نظری نقشه جامع علمی کشور»، در بخش «مبانی و ارزش‌های بنیادین نقشه جامع علمی کشور»، یکی از مبانی و ارزش‌های بنیادین این سند به صورت «عدالت‌محوری، پرورش استعدادها و دستیابی همگان به خصوص مستضعفان در حوزه علم و فناوری، تقویت خلاقیت، نوآوری و خطرپذیری در علم» بیان شده است.

۲- در فصل دوم سند با عنوان «وضع مطلوب علم و فناوری»، در بخش «اهداف بخشی نظام علم، فناوری و نوآوری کشور» یکی از اهداف بخشی این نظام به صورت: «ایجاد نظام آموزشی مناسب برای هدایت دانش‌آموزان در جهت... اهداف مختلفی چون «پرورش استعدادهای شغلی و پدید آوردن آینده شغلی برای برآوردن نیازهای جامعه» و «پرورش استعدادهای علمی برای ورود به دوره تخصصی» بیان شده است.

۳- در فصل سوم سند با عنوان «اولویت‌های علم و فناوری کشور»، یکی از اهداف اولویت‌بندی علوم و فناوری‌ها در کشور به صورت: «هدایت نظام آموزشی برای تأمین و جذب نیروهای نخبه و متخصص مورد نیاز در حوزه‌های اولویت‌دار» بیان شده است (این اولویت‌ها، در سه سطح «الف»، «ب» و «ج» و به تفکیک در حوزه‌های «فناوری»، «علوم پایه و کاربردی»، «علوم انسانی و معارف اسلامی»، «سلامت» و «هنر»، در همین فصل از سند به تفصیل برشمرده شده است).

۴- در فصل چهارم سند با عنوان «راهبردها و اقدامات ملی برای توسعه علم و فناوری در کشور»، در بخش «راهبردها و اقدامات ملی متناسب با راهبردهای کلان توسعه علم و فناوری در کشور»، ذیل راهبرد کلان ۶ با عنوان «تحول و نوسازی نظام تعلیم و تربیت اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی به

منظور انطباق با مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و تحقق اهداف کلان نقشه، اقدامات ملی زیر پیش‌بینی شده است:

- ۴-۱- «ترویج پژوهش‌محور کردن آموزش و مسئله‌محور کردن پژوهش»
- ۴-۲- «ایجاد نظام رتبه‌بندی مدارس و مؤسسات آموزش و پرورش به منظور شفاف‌سازی عملکرد و ارتقای کیفیت و تقویت انگیزه‌های رقابت»
- ۴-۳- «بازنگری در محتوا و روش‌های آموزشی با تمرکز بر اصلاح بینش‌ها و مهارت‌ها در کنار ارائه اطلاعات و دانش به منظور انتقال مفاهیم پایه علمی، علاقمندسازی دانش‌آموزان به علم، ایجاد روحیه خودباوری و توانمندسازی ایشان»
- ۴-۴- «ایجاد سازوکارهای لازم برای رشد خلاقیت‌های علمی، هنری و مهارتی و تربیت تفکر منطقی و عقلانی و روحیه جستجوگری در دانش‌آموزان»
- ۴-۵- «تقویت جایگاه رشته‌های علوم انسانی و معارف اسلامی در نظام آموزش و پرورش و جهت‌دهی نخبگان به سمت تحصیل در این حوزه‌ها از طریق ارتقای کیفی محتوا و شیوه‌های آموزشی»
- ۴-۶- «تقویت نظام استعدادیابی و مشاوره و هدایت تحصیلی در آموزش عمومی و بازنگری و بازتولید محتوا و روش‌های آموزشی و پژوهشی به منظور تحقق نقش شایسته زن و مرد در جامعه اسلامی»
- ۵- در همین فصل و همین بخش، ذیل راهبرد کلان ۸ با عنوان «تربیت و توانمندسازی سرمایه انسانی با تأکید بر پرورش انسان‌های متقی، کارآفرین، خودباور، خلاق، نوآور و توانا در تولید علم و فناوری و نوآوری متناسب با ارزش‌های اسلامی و نیازهای جامعه»، اقدام ملی «طراحی و استقرار نظام جامع مشاوره و استعدادیابی و هدایت به منظور هدایت دانش‌آموزان و دانشجویان به سوی رشته‌های علمی متناسب با اولویت‌های کشور براساس استعداد و علاقه‌مندی و توانایی‌های آنها و اولویت‌های کشور» پیش‌بینی شده است.
- ۶- در همین فصل و بخش، ذیل راهبرد کلان ۹ با عنوان «تعامل فعال و اثرگذار در حوزه علم و فناوری با کشورهای دیگر بویژه کشورهای منطقه و جهان اسلام»، اقدام ملی «تبدیل پدیده خروج نخبگان به فرصتی برای گسترش نگرش و منطق انقلاب اسلامی به سراسر جهان» پیش‌بینی شده است.
- ۷- در همین فصل و بخش، ذیل راهبرد کلان ۱۰ با عنوان «متحول‌سازی و ارتقای کمی و کیفی در علوم انسانی و هنر مبتنی بر معارف اسلامی»، اقدام ملی «اصلاح جریان استعدادیابی و هدایت تحصیلی برای جذب استعدادهای برتر در علوم انسانی و معارف اسلامی» پیش‌بینی شده است.



سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

به همراه مبانی نظری (فلسفه تربیت رسمی و عمومی و رهنامه تربیت رسمی و عمومی) و زیرنظام (برنامه درسی ملی)

یکی از چالش‌های مهم نظام تعلیم و تربیت نوین کشور ما این است که نهادهای مختلف این نظام، طی مراحل بنیان‌گذاری، گسترش و تحول، بر مبانی نظری مشخص، مدون و معتبر علمی و ارزشی منطبق بر ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی بومی، استوار نشده است. بر این اساس، رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها بر ضرورت تحول بنیادین این نظام و بازتعریف و بازسازی آن مبتنی بر تعالیم اسلامی و مقتضیات و تحولات همه‌جانبه اجتماعی و فرهنگی ناشی از انقلاب اسلامی ایران تأکید کرده‌اند.

تدوین و تصویب «سند ملی آموزش و پرورش» در پاسخ به این ضرورت، از سال ۱۳۸۴ در دستور کار شورای عالی آموزش و پرورش قرار گرفت. حاصل مطالعات انجام شده در این حرکت، در پژوهشی با عنوان «تلفیق یافته‌های مطالعات نظری طرح سند ملی آموزش و پرورش» طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ تدوین شد و پس از تصویب در شورای عالی آموزش و پرورش در اسفند ماه ۱۳۸۸، در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار داده شد. مقرر شد با استفاده از نتایج مطالعات انجام شده، سه الگوی نظری کلان و خرد با عنوان «فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران»، «فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران» و «رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران» تدوین شود. مجموعه این سه سند در کنار هم، عنوان «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران» را به خود پذیرفتند و به عنوان اساس نظری تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد استفاده قرار گرفتند.

«سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، پس از تصویب در شورای عالی آموزش و پرورش در

نشست مشهد مقدس، به شورای عالی انقلاب فرهنگی فرستاده شد و در تاریخ ۵ مهر ۱۳۹۰ به تصویب این شورا رسید.

تحول بنیادین در آموزش و پرورش - مطابق آنچه در مبانی نظری این سند آمده - به معنی تغییر رویکرد اصول و سیاست‌ها در تهیه و تدوین فلسفه تربیت در کشور به گونه‌ای است که «ضمن اصالت به فرهنگ تربیت، اسلام و معارف آن، اجتهاد ژرف و جامع، گفتمان انقلاب اسلامی، نگاه تمدنی، تربیت جامع، متوازن و یکپارچه، تجربه و دانش بشری و نگاه آسیب‌شناسانه، ناظر به زمانه و راهبردی بر آن حاکم شود». این سند در قالب ۸ فصل تنظیم شده است که عبارتند از: (۱) کلیات؛ (۲) بیانیه ارزش‌ها؛ (۳) بیانیه مأموریت، (۴) چشم‌انداز؛ (۵) هدف‌های کلان؛ (۶) راهبردهای کلان؛ (۷) هدف‌های عملیاتی و راهکارها و (۸) چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش. چشم‌انداز نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی در این سند به صورت زیر بیان شده است:

«نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴، با اتکا به قدرت لایزال الهی، مبتنی بر نظام معیار اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی و قوام‌بخش آنها و زمینه‌ساز جامعه جهانی عدل مهدوی (عج) و برخوردار از توانمندی‌های تربیتی ممتاز در طراز جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه، الهام‌بخش و دارای تعامل سازنده و مؤثر با نظام‌های تعلیم و تربیتی در سطح جهان، توانمند در زمینه‌سازی برای شکوفایی فطرت و استعدادها و شکل‌گیری هویت یکپارچه اسلامی، انقلابی - ایرانی دانش‌آموزان با توجه به هویت اختصاصی آنان؛ کارآمد، اثربخش، یادگیرنده، عدالت‌محور و مشارکت‌جو، برخوردار از مربیان و مدیران مؤمن آراسته به فضایل اخلاق اسلامی، عامل به عمل صالح، تعالی جو و تحول‌آفرین، انقلابی، آینده‌نگر، عاقل، متعهد، امین، بصیر، حق‌شناس.»

مهم‌ترین اشاره‌ها و دلالت‌های موجود در این سند مرتبط با آموزش و پرورش دانش‌آموزان صاحب استعداد‌های برتر به این شرح است:

۱- در فصل چهارم سند با عنوان «چشم‌انداز»، یکی از ویژگی‌های مدرسه که «جلوه‌ای است از تحقق مراتب حیات طیبه، کانون عرضه خدمات و فرصت‌های تعلیم و تربیتی، زمینه‌ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش‌آموزان و تکوین و تعالی پیوسته هویت آنان بر اساس نظام معیار اسلامی در چارچوب فلسفه و رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران»، به صورت: «دارای ظرفیت پذیرش تفاوت‌های فردی، کشف و هدایت استعداد‌های متنوع فطری و پاسخ‌گویی به نیازها، علایق و رغبت دانش‌آموزان در راستای مصالح و چارچوب نظام معیار اسلامی» پیش‌بینی شده است.



۲- در فصل هفتم سند با عنوان «هدف‌های عملیاتی و راهکارها»، ذیل هدف عملیاتی ۵ با عنوان «تأمین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت‌های تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب با توجه به تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های دختران و پسران و مناطق مختلف کشور»، راهکار ۷-۵ به صورت: «طراحی و تدوین برنامه تعلیم و تربیت انعطاف‌پذیر، متناسب با ویژگی‌های شخصیتی و محیطی استعداد‌های گوناگون دانش‌آموزان به منظور شکوفایی استعداد‌های خاص و افزایش کارآمدی و مفید بودن آنها» پیش‌بینی شده است.

۳- در همین فصل، ذیل هدف عملیاتی ۱۵ با عنوان «اصلاح محتوا، ارتقای جایگاه، افزایش کیفیت و کارآمدی علوم انسانی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی مبتنی بر مبنای دینی در چارچوب نظام معیار اسلامی»، راهکار ۳-۱۵ به صورت: «شناسایی استعداد‌های برتر و هدایت آنها به ادامه تحصیل در رشته‌های علوم انسانی و زمینه‌سازی برای تقویت و تعمیق فعالیت‌های علمی پژوهشی آنها در دوره‌های آموزش عالی» پیش‌بینی شده است.

۴- در همین فصل، ذیل هدف عملیاتی ۱۶ با عنوان «تنوع‌بخشی در ارائه خدمات آموزشی و فرصت‌های تربیتی متناسب با مصالح جامعه، نیازها و علایق دانش‌آموزان در راستای شکوفایی استعداد‌های آنها»، راهکار ۱-۱۶ به صورت: «ایجاد تنوع در فرصت‌های تربیتی در مراکز آموزشی و تربیتی برای پاسخ‌گویی به نیازهای دانش‌آموزان» پیش‌بینی شده است.

۵- در همین فصل، ذیل هدف عملیاتی ۱۸ با عنوان «تغییر و نوآوری در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با رویکرد تعالی‌بخش، پویا و بالنده»، راهکار ۵-۱۸ به صورت: «استقرار نظام خلاقیت و نوآوری در آموزش و پرورش در راستای تربیت جامع و بالندگی معنوی و اخلاقی و حمایت مادی و معنوی از مدیران، مربیان و دانش‌آموزان خلاق و نوآور و کارآفرین» پیش‌بینی شده است.

۶- در همین فصل، ذیل هدف عملیاتی ۲۱ با عنوان «بازنگری و بازمهندسی ساختارها و رویه‌ها و روش‌ها»، راهکار ۳-۲۱ به صورت: «طراحی و استقرار نظام جامع هدایت تحصیلی و استعدادیابی به منظور هدایت دانش‌آموزان به سوی رشته‌ها، حرف و مهارت‌های مورد نیاز حال و آینده کشور متناسب با استعدادها، علاقه‌مندی و توانایی‌های آنان» پیش‌بینی شده است.

۷- همچنین، موضوع جذب و به‌کارگیری استعداد‌های برتر در جایگاه «معلمی»، در همین فصل، ذیل هدف عملیاتی ۱۱ با عنوان «بازمهندسی سیاست‌ها و بازتنظیم اصول حاکم بر برنامه درسی تربیت معلم با تأکید بر کارورزی و انطباق سطح شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان در سطح ملی و جهانی با مقتضیات الگوی برنامه درسی در نظام تعلیم و تربیت و طراحی سیاست‌های مناسب برای

ارتقای شیوه‌های جذب، تربیت و نگهداشت معلمان در آموزش و پرورش»، در راهکار ۱۱-۳ به صورت: «ایجاد سازوکارهای لازم برای جذب و نگهداشت استعدادهای برتر و برخورداری از صلاحیت‌های دینی، اخلاقی، انقلابی و شخصیتی به رشته‌های تربیت معلم با تأکید بر تقویت انگیزه‌های معنوی و مادی معلمان از قبیل برقراری حقوق و دستمزد در دوران تحصیل، ارتقای سطح آموزشی و تجهیزاتی مراکز ذی‌ربط، ایجاد نظام بازآموزی مستمر علمی و تسهیل در ادامه تحصیل با توجه به رتبه‌بندی معلمان» بیان شده است.

علاوه بر موارد بالا که از متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش آورده شد، برخی اشاره‌ها و دلالت‌های موجود در مجموعه مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران مرتبط با آموزش و پرورش دانش‌آموزان صاحب استعدادهای برتر به این شرح است:

۱- در سند فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، در بخش «مبانی اساسی تربیت رسمی و عمومی»، در قسمت «مبانی روان‌شناختی»، در سومین بند از مبانی روان‌شناختی با عنوان «انسان‌ها در عین داشتن اشتراک در بسیاری خصوصیات، تفاوت‌های بین‌فردی و درون‌فردی قابل ملاحظه‌ای نیز با یکدیگر دارند» آمده است: «در میان ایشان [انسان‌ها (کودکان و نوجوانان)]، گروهی وجود دارند که به سبب داشتن تفاوت‌های چشم‌گیر، به برنامه تربیتی و ملاحظات ویژه نیازمندند. لذا لازم است به دقت مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند تا برنامه‌ریزی مناسبی برای نیازهایشان پیش‌بینی شود؛ همان‌طور که برای افرادی که به دلایل زیستی یا وراثتی توانشان در یادگیری محدودتر است، باید تدابیر ویژه‌ای اندیشید*».

۲- در همین سند، در بخش «تبیین چیستی تربیت رسمی و عمومی»، در قسمت «تعریف تربیت رسمی و عمومی»، آمده است: «نظام تربیت رسمی و عمومی، با توجه به اصل وحدت در عین کثرت، نباید به دستگاهی برای یکسان‌سازی انسان‌ها تبدیل شود؛ لذا علاوه بر تأکید بر کسب شایستگی‌های پایه در جهت تکوین و تعالی ابعاد مشترک هویت، که برای تعامل آحاد انسانی با همدیگر ضرورتی انکارناپذیر است، باید به جنبه‌های ویژه شخصیت هر مربی نیز توجه داشت و زمینه کسب شایستگی‌های ویژه متناسب با این جنبه‌ها (استعداد و سطح رشد، خصوصیات جنسی و جنسیتی، قومی و مذهبی و موقعیت‌های خاص زندگی) را فراهم آورد».

* قضاوت دقیق در این رابطه، از طریق مقایسه گروهی و آزمون‌های رایج هوش میسر نیست. برای تشخیص بهتر، لازم است از مطالعات موردی استفاده شود و اطلاعات گوناگون درسی و غیردرسی و نمونه کار همراه با قضاوت‌های تخصصی در مورد پروژه‌ها و فعالیت‌های درون‌مدرسه‌ای و برون‌مدرسه‌ای جمع‌آوری شود و مورد بررسی قرار گیرد. در کنار این‌ها، آزمون‌های هوش و خلاقیت را نیز می‌توان به کار گرفت. [این پاورقی و دو پاورقی بعدی مربوط به اصل سند است.]



۳- در همین سند، در بخش «تبیین چگونگی تربیت رسمی و عمومی»، در قسمت «اصول کلی تربیت رسمی و عمومی»، در دومین بند از اصول با عنوان «عدالت تربیتی» آمده است: «بر اساس مبانی روان‌شناختی پذیرفته شده، گاهی تفاوت‌ها و شباهت‌های آحاد متربیان به گونه‌ای است که می‌توان آنها را در گروه‌هایی دسته‌بندی کرد و خدمات تربیتی ویژه و کیفی‌تری به آنها ارائه کرد. برای مثال، می‌توان از گروه‌هایی مانند متربیان با استعداد ویژه، متربیان دارای ناتوانایی‌های ذهنی و جسمی، متربیان محروم از تحصیل، متربیان دور از وطن و متربیان محروم از خانواده نام برد».

۴- در همین سند و همین بخش، در قسمت «مدرسه صالح؛ بستری برای تحقق تربیت رسمی و عمومی»، در بند «خصوصیات مدرسه صالح»، پنجمین خصوصیت مدرسه صالح به این صورت بیان شده است: «ویژگی دیگر مدرسه صالح، «انعطاف‌پذیری» است. بر مبنای اصل کثرت‌گرایی و اصل تفاوت‌های فردی، نظام مدرسه‌ای باید از حدی از انعطاف برخوردار باشد تا برنامه‌ها و رویه‌های جاری در آن دچار جمود و تصلب نگردد. به سخن دیگر، مدرسه صالح از یک سو بر شباهت‌های انسانی تأکید دارد و در واقع بیشتر سازوکارهای مدرسه بر مبنای چنین شباهت‌هایی شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، با توجه به وجود تفاوت‌های فردی، سازوکارهای خود را منعطف می‌سازد تا زمینه تعالی وجودی بیشتر متربیان را فراهم آورد. از یک منظر، مراد از این ویژگی، تلاش مدرسه برای ارتباط هرچه بیشتر آحاد متربیان با شرایط اجتماعی محیط پیرامون است؛ به این معنی که مدرسه باید تا حد امکان با شرایط متنوع زندگی متربیان سازگار شود و بکوشد از طریق فراهم آوردن موقعیت‌های متنوع تربیتی، تمامی متربیان (جامعه هدف) را به سطح مطلوبی از شایستگی‌های پایه (ضمن توجه به شایستگی‌های ویژه) برساند. بر این اساس، تنوع مدارس در شرایط خاص و مبتنی بر نیاز متربیان ضروری به نظر می‌رسد».

۵- در سند رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، در بخش «رویکرد اساسی» آمده است: «رویکرد اساسی نظام تربیت رسمی و عمومی، سازگار با رهیافت دین‌محوری، به این شرح است: «موقعیت‌شناسی و موقعیت‌آفرینی بر اساس نظام معیار اسلامی». با توجه به نقش مهمی که درک و اصلاح موقعیت در تکوین و تعالی هویت متربیان* خصوصاً در دوره تربیت رسمی و عمومی

*گروه‌هایی از متربیان مخاطب نظام رسمی و عمومی، نیازهای تربیتی خاصی دارند (افراد دارای نیازهای یادگیری ویژه؛ دارای استعدادهای ویژه؛ ساکن مناطق محروم و کم‌برخوردار (روستایی، عشایری و حاشیه‌نشین)؛ فاقد سرپرست یا دارای سرپرست ناصالح). بر اساس رویکرد بسط عدالت تربیتی، ساز و کارهای خاصی درون جریان اصلی تربیت در نظام تربیتی رسمی و عمومی طراحی و اجرا می‌شود. اگرچه، رویکرد اساسی نظام تربیت رسمی و عمومی در راستای تربیت گروه‌های با نیازهای خاص این است که علی‌الاصول تربیت مورد نیاز ویژه این گروه‌ها در شرایط معمول و در کنار گروه‌های عادی متربیان انجام گیرد، اما در صورت ضرورت (عدم امکان حضور در میان دیگران با رعایت مصلحت‌های تربیتی) جداسازی و تفکیک این گروه از متربیان می‌تواند با نظر والدین و بررسی کارشناسی صورت پذیرد

دارد، باید نظام تربیت رسمی و عمومی را به مثابه نظامی دانست که با داشتن خصوصياتی - نظیر پویایی، آینده‌نگری و تحول‌آفرینی، توجه به اقتضائات بومی و ملی و بهره‌مندی از کارگزارانی فکور و متعهد به نظام معیار اسلامی - زمینه‌ساز درک شایسته مربیان و متربیان از موقعیت خویش و دیگران و عمل برای اصلاح مداوم آن بر اساس انتخاب و التزام اختیاری و آگاهانه نظام معیار اسلامی می‌شود.»

۶- در همین سند، در بخش «ساختار نظام تربیت رسمی و عمومی»، در قسمت «دوره‌ها و مراحل تربیت»، یکی از بندهای اصول و ویژگی‌های حاکم بر دوره‌ها به این صورت آمده است: «ارزشیابی از وضعیت تربیتی متربیان در مراحل کلیدی/گذر از هر دوره به دوره بعد، بر اساس سطح شایستگی‌های تعیین شده برای هر مرحله بر اساس سن، شرایط بلوغ جسمی، رشد اجتماعی، استانداردهای برنامه درسی و نظر مربیان صورت می‌گیرد. در موارد خاصی که تصمیم‌گیری متوجه متربیان با نیازهای ویژه یا افراد مستعد است، مشارکت اولیا برای تصمیم‌گیری ضروری است. متربیان علی‌الاصول دوره آموزش رسمی و عمومی را در ۱۲ سال طی می‌نمایند. این زمان برای متربیان مستعد یا افرادی که دارای نیازهای ویژه می‌باشند، متناسب با سطح توانایی آنان سازمان‌دهی خواهد شد.»

همچنین، در سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران که سند مصوب نخستین زیرنظام تحول بنیادین آموزش و پرورش به شمار می‌رود، اشاره‌ها و دلالت‌هایی مرتبط با آموزش و پرورش دانش‌آموزان صاحب استعدادهای برتر به شرح زیر موجود است:

۱- در بخش «اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی»، در هفتمین بند از اصول با عنوان «توجه به تفاوت‌ها» آمده است: «برنامه‌های درسی و تربیتی باید ضمن تأکید بر ویژگی‌های مشترک، به تفاوت‌های ناشی از محیط زندگی (شهری، روستایی، عشایری، فرهنگی و جغرافیایی)، جنسیتی و فردی دانش‌آموزان (استعدادهای، توانایی‌ها، نیازها و علایق) توجه کرده و از انعطاف لازم برخوردار باشد.»

۲- در همین بخش، در یازدهمین بند از اصول با عنوان «یکپارچگی و فراگیری» آمده است: «برنامه‌های درسی و تربیتی باید برای تمام دانش‌آموزان (دانش‌آموزان عادی، دانش‌آموزان با نیازهای ویژه و استعدادهای درخشان) به صورت به هم پیوسته و یکپارچه طراحی و تدوین شود. این برنامه‌ها باید با رعایت انعطاف‌پذیری، با نیازهای هریک از گروه‌های دانش‌آموزان با نیازها و استعدادهای خاص انطباق و سازگاری داده شود.*»

* تغییرات ناشی از این انطباق و سازگاری باید به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش برسد.



سند راهبردی کشور در امور نخبگان

رهبر معظم انقلاب در دیدار غیرعلنی خود با تعدادی از مسئولان عالی‌رتبه کشور (از جمله سران قوا، وزیر آموزش و پرورش، علوم تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مسئولان بنیاد ملی نخبگان، تعدادی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی و...) در زمستان ۱۳۸۹، بخشی از دغدغه‌های خود در خصوص مسائل مرتبط با نخبگان را مطرح کردند و خواستار تدوین و تصویب سندی راهبردی در این زمینه شدند.

در اجرای فرامین ایشان، کار تدوین متن سند راهبردی کشور در امور نخبگان در بنیاد ملی نخبگان آغاز و پی‌گیری شد و پس از چند

نوبت تدوین پیش‌نویس‌های پیشنهادی و تشکیل کارگروه‌های تلفیق و نهایی‌سازی آنها، متن سند راهبردی کشور در امور نخبگان در ۱۱ مهر ۱۳۹۱ بنا به تفویض شورای عالی انقلاب فرهنگی، به تصویب شورای معین این شورا رسید.

«سند راهبردی کشور در امور نخبگان» که به منظور ایجاد محیطی پویا برای فعال‌سازی و اثرگذاری مناسب اجتماع نخبگانی در تحولات کشور با هدف تحقق آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و رسیدن به چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴ خورشیدی تدوین شده و تلاش دارد تا مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی و با شناسایی صحیح مسائل، شرایط و امکانات کشور، دامنه شمول

نخبگی را گسترش داده، راهبردها و اقدام‌های کلان را برای فراهم شدن زمینه‌های «نخبه‌شناسی»، «نخبه‌پروری»، «نخبه‌گزینی» و «نخبه‌گماری» در جهت نیل به اهداف فوق تبیین کند، در چهار فصل (به همراه یک پیوست) تدوین شده است: (۱) تعاریف مفاهیم مرتبط با نخبگی؛ (۲) چشم‌انداز و اهداف کلان؛ (۳) راهبردهای کلان و اقدام‌های ملی؛ (۴) چارچوب نهادی و الزامات اجرایی در نظام نخبگانی کشور.

یکی از ویژگی‌های مهم این سند، ارائه تعاریف مفاهیم مرتبط با نخبگی است که بر آشفتگی مفهومی حاکم بر این حوزه، نقطه پایان گذاشته است. مهم‌ترین تعاریف ارائه شده در این سند، به شرح زیر است:

۱- نخبه: به فردی برجسته و کارآمد اطلاق می‌شود که در خلق و گسترش علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت کشور در چارچوب ارزش‌های اسلامی اثرگذاری بارز داشته باشد و همچنین فعالیت‌های وی بر پایه هوش، خلاقیت، انگیزه و توانمندی‌های ذاتی از یک سو و خبرگی، تخصص و توانمندی‌های اکتسابی از سوی دیگر، موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت و اعتلای کشور شود.

۲- صاحب استعدادبرتر: به فردی اطلاق می‌شود که با توجه ویژگی‌های ذاتی خود امکان رسیدن به مرحله نخبگی را داراست؛ ولی هنوز زمینه‌های لازم برای شناسایی کامل و بروز استعدادهای ویژه او فراهم نشده است.

۳- فعالیت نخبگانی: فعالیتی است آگاهانه، خلاقانه و نوآورانه با اثرگذاری محسوس بر پیشرفت کشور در حوزه‌های مختلف از قبیل: علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت با تأکید بر شناخت مسائل و مشکلات کشور.

۴- اجتماع نخبگانی: شامل افراد یا گروه‌هایی است که به تشخیص بنیاد ملی نخبگان، توانمندی‌های بالقوه یا بالفعل انجام فعالیت‌های نخبگانی را دارا هستند؛ بنابراین شامل همه افراد و گروه‌های نخبه و صاحب استعدادبرتر است.

۵- نظام نخبگانی: شامل مجموعه بخش‌های مختلف کشور مشتمل بر نقش آفرینان، نهادها، قوانین، سازوکارها و روندهایی است که بر «فعالیت‌های نخبگانی» و «اجتماع نخبگانی» به صورت مستقیم اثرگذارند.

چشم‌انداز جامعه نخبگانی مطلوب جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی در این سند به این صورت بیان شده است:

«جامعه نخبگانی مطلوب، جامعه‌ای است پویا که در آن اجتماعات نخبگانی در چارچوب ارزش‌های



اسلامی - ایرانی و مبتنی بر اقتضائات نظام جمهوری اسلامی ایران، فرصت رشد و شکوفایی حداکثری را بر پایه تنوع استعدادها و توانمندی‌های خود به دست آورد و ضمن حل مسائل جامعه، تدبیر امور تحول آن را دست گیرد.»

مهم‌ترین دلالت‌های موجود در این سند مرتبط با آموزش و پرورش دانش‌آموزان صاحب استعدادها برتر به این شرح است:

۱- در فصل دوم سند با عنوان «چشم‌انداز و اهداف کلان»، در بخش «اهداف کلان»، هدف‌های زیر در شمار اهداف کلان پیش‌بینی شده است:

۱-۱- ایجاد زمینه‌های شناسایی، رشد و شکوفایی حداکثری استعدادهای فردی و گروهی و ارتقای ابعاد معنوی و دینی آنها

۱-۲- تحقق نظام جامع «اخلاق نخبگی» مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و تلاش برای ترویج آن، به منظور رشد اخلاقی و معرفتی اجتماع نخبگانی و مصون‌سازی آنان

۱-۳- تبیین و تنظیم مسئولیت‌ها و حقوق متقابل اجتماع نخبگانی و جامعه و افزایش حس دل‌بستگی ملی آنان در چارچوب گفتمان نظام اسلامی

۲- در فصل سوم سند با عنوان «راهبردهای کلان و اقدام‌های ملی»، در راهبرد کلان ۱ با عنوان «استقرار نظام شناسایی و هدایت اجتماعات نخبگانی»، ذیل راهبرد ملی ۱ با عنوان «تنوع‌بخشی در تعریف سطوح، حوزه‌های فعالیت‌های نخبگانی و روش‌های شناسایی آنها»، اقدام ملی به این شرح پیش‌بینی شده است: «تمهید شرایط و تنظیم استانداردها، نظام‌نامه‌ها، ضوابط و مقررات برای مشارکت بیشتر بخش غیردولتی در تأسیس و فعالیت مدارس، مراکز آموزشی تخصصی و نهادهای نخبه‌پرورد در حوزه‌های مختلف و با روش‌ها و محتوای درسی متنوع».

۳- در همین فصل و همین راهبرد کلان، ذیل راهبرد ملی ۲ با عنوان «هدایت صاحبان استعدادهای برتر با استفاده از توانمندی‌های بخش‌های دولتی و غیردولتی»، اقدام‌های ملی به شرح زیر پیش‌بینی شده است:

۳-۱- استقرار نظام شناسایی و هدایت استعدادهای برتر با روش‌های مربی‌محور، مرحله‌ای و نامحسوس، با تأکید هم‌زمان بر سه وجه آموزشی، تربیتی و پژوهشی

۳-۲- برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح کیفی آموزش‌های مدرسه‌ای (در همه دوره‌های تحصیلی) به‌منظور پرورش خلاقیت، مهارت حل مسئله، آداب و مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان

۳-۳- توسعه آموزش‌های خاص «برون‌مدرسه‌ای» از طریق گسترش مراکز آموزشی، تربیتی

و پژوهشی در حوزه‌های متنوع مورد علاقه دانش‌آموزان

۳-۴- برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح دانش و مهارت معلمان و مربیان مدارس و استادان حوزه و دانشگاه برای هدایت هدفمند صاحبان استعداد برتر از طریق برنامه‌های آموزشی کوتاه‌مدت و ترویجی

۳-۵- تقویت و گسترش مشاوره‌های تحصیلی و افزایش آشنایی افراد با رشته‌های تحصیلی در آموزش متوسطه، دانشگاه و حوزه‌های علمیه به منظور انتخاب آگاهانه و هدفمند رشته‌های تحصیلی با تأکید ویژه بر رشته‌های علوم انسانی

۳-۶- گسترش اردوهای جهادی، بازدیدها و دوره‌های آموزشی و احیای دوره‌های کارورزی و کارآموزی اختیاری به منظور ارتقای شناخت اجتماع نخبگانی از نیازها و شرایط واقعی جامعه
۳-۷- گسترش برنامه‌های پرورش دینی و فرهنگی اجتماع نخبگانی بر اساس استمرار در کار فرهنگی، آموزش‌های مربی‌محور، سیرهای مطالعاتی اعتقادی و توجه به وجوه جامع دین با استفاده از ظرفیت‌های دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، مساجد و مراکز فرهنگی کشور

۳-۸- تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی و مشاوره برای خانواده‌های صاحبان استعداد برتر به منظور افزایش آگاهی و مهارت آنان برای تربیت، هدایت و تعامل با فرزندان خود
۳-۹- ایجاد و گسترش پارک‌های آموزشی و تقویت و سامان‌دهی فرایند طراحی، تولید و توزیع وسایل بازی کودکان به منظور پرورش خلاقیت و مهارت حل مسئله در کودکان با تکیه بر فرهنگ اسلامی - ایرانی و رعایت استانداردهای سلامت و ایمنی

۴- در همین فصل، در راهبرد کلان ۲ با عنوان «توانمندسازی اجتماعات نخبگانی در چارچوب گفتمان اسلامی - ایرانی»، ذیل راهبرد ملی ۱ با عنوان «پشتیبانی تدریجی، مشروط و متنوع براساس انجام فعالیت‌های نخبگانی و میزان رشد در مسیر نخبگی»، اقدام ملی به این شرح پیش‌بینی شده است: «ایجاد فرصت فعالیت برای صاحبان استعدادهای برتر و نخبگان در مناطق کم‌برخوردار با ایجاد سازوکارهای حمایتی در زمینه‌های آموزشی، پژوهشی و مهارتی و نیز حمایت از توسعه فعالیت بنیادهای خیریه علمی، فرهنگی و اجتماعی و نظارت بر آنها».

۵- در همین فصل و همین راهبرد کلان، ذیل راهبرد ملی ۲ با عنوان «زمینه‌سازی برای پرورش افراد نخبه و شکل‌گیری گروه‌های نخبه در جامعه»، اقدام‌های ملی به شرح زیر پیش‌بینی شده است:

۵-۱- حمایت از متشکل شدن دانشجویان و دانش‌آموزان فعال در حوزه‌های مختلف علمی،



اجتماعی، فناوریانه، فرهنگی، قرآنی و هنری در قالب پژوهشکده‌های دانشجویی و پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی، انجمن‌های علمی، کانون‌های فرهنگی - هنری، تشکل‌های نخبگانی و مانند آن با رعایت ضوابط و مقررات جاری کشور و با تأکید بر سهولت تأسیس گروه، ضابطه‌مندی و مسئولیت‌پذیری، نظارت و پایش مستمر و پشتیبانی مرحله‌ای و تدریجی از آنها

۵-۲- تلاش برای رفع موانع جذب و افزایش جذابیت حضور اجتماع نخبگانی در حوزه‌های علوم انسانی، معارف اسلامی و علوم پایه

۶- در همین فصل، در راهبرد کلان ۴ با عنوان «ارتقای نظام سیاستگذاری و مدیریت امور نخبگان»، ذیل راهبرد ملی ۱ با عنوان «ارتقا و تثبیت نقش سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت کلان نهادهای حاکمیتی در نظام نخبگانی»، اقدام ملی به این شرح پیش‌بینی شده است: «ایجاد یک مدیریت واحد ستادی در وزارت آموزش و پرورش جهت برنامه‌ریزی نظام شناسایی، هدایت و آموزش استعدادهای برتر و هماهنگی با سیاست‌های کلان بنیاد ملی نخبگان».

۷- در پیوست سند راهبردی کشور در امور نخبگان، در بخش «اصول اساسی حاکم بر سند»، در بند ۵ از اصول حاکم بر سند آمده است: «دارا بودن استعداد درخشان و توانمندی‌های ذاتی ویژه، نعمت‌هایی تعهدآور هستند، نه مزیت‌هایی توقع‌آفرین. لذا توجه ویژه به این افراد به صرف برخورداری از این توانمندی‌ها و ایجاد توقع در آنها مردود است. به همین دلیل در نظام نخبگانی مطلوب، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای صاحبان استعداد برتر در حوزه‌های مختلف با رویکردهای زیر صورت خواهد گرفت: (الف) شناسایی کنشگرانه (و نه واکنشی) اجتماعات نخبگانی از طریق رصد رفتار و فعالیت‌های نخبگانی آنان به شکل پویا (رویکرد فعال در مقابل رویکرد منفعلانه و خوداظهاریانه)؛ (ب) شناساندن افراد و گروه‌های صاحب استعداد برتر به نظام نخبگانی با رویکرد نامشهود و نامحسوس (به جای نشان‌دار کردن و برچسب زدن به آنها)؛ (ج) تربیت و توانمندکردن اجتماعات نخبگانی در محیط واقعی و طبیعی جامعه، نه در محیطی جدا و منفک از آن (رویکرد رشد باغچه‌ای در مقابل نگهداشت گلخانه‌ای)».

بررسی جایگاه استعداد‌های درخشان در اسناد فرادستی

و ارائه پیشنهاد نظام تربیت استعداد‌های برتر در آموزش و پرورش*

توجه هم‌زمان و یکپارچه به اسناد فرادستی نظام آموزش و پرورش از منظر نگاه این اسناد به دانش‌آموزان صاحب استعداد‌های برتر و درخشان، بیانگر ضرورت تدوین نظامی منسجم با عنوان «نظام تربیت استعداد‌های برتر در آموزش و پرورش» است. این نظام مأموریت دارد با تأکید بر اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی، زمینه‌های لازم برای شناسایی و کسب شایستگی‌ها و توانمندی‌های ویژه و بروز استعداد‌های دانش‌آموزان صاحب استعداد‌های برتر را در تمامی دوره‌های تحصیلی به صورت نظام‌مند، همگانی و عادلانه در همهٔ ساحت‌های تعلیم و تربیت و در ساختاری کارآمد و اثربخش، با مشارکت خانواده‌ها، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی فراهم آورد.

مهم‌ترین اهداف این نظام را می‌توان در سه بند زیر خلاصه نمود:

- ۱- شناسایی، رشد، شکوفایی و هدایت استعداد‌های برتر دانش‌آموزان
- ۲- تقویت معرفت و تربیت دینی، اعتلای هویت اسلامی - ایرانی و ارتقای حس دلبستگی ملی دانش‌آموزان صاحب استعداد برتر
- ۳- توانمندسازی و افزایش ظرفیت اثربخشی اجتماع نخبگانی دانش‌آموزان بر اساس عدالت آموزشی و تربیتی متناسب با نیازهای کشور

* محتوای این بخش پرونده، با استفاده از متن پیشنهادی سند نظام تربیت استعداد‌های برتر در آموزش و پرورش، مصوب کمیسیون اساسنامه‌های شورای عالی آموزش و پرورش تنظیم شده است. بررسی و تصویب این سند، هم‌اکنون در دستور کار شورای عالی آموزش و پرورش قرار دارد.



همچنین، مهم‌ترین اصول حاکم بر این نظام، به شرح زیر خواهد بود:

- ۱- اصل عدالت: فراهم آوردن امکان شناسایی، هدایت و تربیت استعدادهای برتر بدون توجه به موقعیت جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی دانش‌آموزان متناسب با نوع و سطح استعداد آنان
 - ۲- اصل تنوع: ایجاد فرصت‌های آموزشی و تربیتی متنوع برای پاسخ‌گویی به نیازها، علائق، استعدادها و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان
 - ۳- اصل استمرار: اتخاذ رویکردهای مستمر، مرحله‌ای و فرایندی در کلیه سازوکارهای شناسایی، هدایت و آموزش استعدادهای برتر
 - ۴- اصل انعطاف: استفاده از برنامه‌های منعطف آموزشی و تربیتی متناسب با مقتضیات استعدادی فردی و گروهی به صورت غیرمتمرکز و با تأکید بر توسعه آموزش‌های برون‌مدرسه‌ای
 - ۵- اصل تلفیق: تأکید بر اصالت و اولویت ارائه خدمات و تسهیلات آموزشی و تربیتی در محیط طبیعی و معمول تحصیلی دانش‌آموزان صاحب استعداد برتر و پذیرش حداقل تفکیک در شرایط ضرورت
- وظایف نظام تربیت استعدادهای برتر در آموزش و پرورش را می‌توان در چهار محور «وظایف مرتبط با شناسایی»، «وظایف مرتبط با هدایت»، «وظایف مرتبط با تربیت» و «سایر وظایف» طبقه‌بندی نمود.
- وظایف مرتبط با شناسایی عبارت است از: «طراحی و تدوین ضوابط و مقررات مربوط به فرایندهای شناسایی و جذب دانش‌آموزان صاحب استعدادهای برتر با روش‌های مربی‌محور، مرحله‌ای و نامحسوس و با تأکید بر حضور دانش‌آموزان در شرایط معمول، با اولویت مناطق محروم و کم‌برخوردار»، «شناسایی صاحبان استعدادهای برتر در ساحت‌های مختلف تربیتی و حوزه‌های متنوع استعدادی» و «در شرایط ضرورت جداسازی استعدادهای برتر جهت تحصیل در مدارس استعدادهای درخشان، تدوین شاخص‌ها، استانداردها و روش‌های شناسایی و تفکیک دانش‌آموزان با رعایت مصلحت‌های تربیتی».
- وظایف مرتبط با هدایت عبارت است از: «ترویج و تقویت انس با قرآن و معارف عترت (علیهم‌السلام)، ارتقاء معرفت، بینش و تربیت دینی، اعتلای هویت اسلامی - ایرانی و افزایش دل‌بستگی ملی میان اجتماع نخبگانی دانش‌آموزان در چهارچوب نظام معیار اسلامی»، «گسترش و تعمیق برنامه‌های تربیتی در تمام ساحت‌های وجودی اجتماع نخبگانی مبتنی بر معارف اسلامی با استفاده از ظرفیت دانشگاه‌ها، مساجد و حوزه‌های علمیه»، «تدوین و اجرای برنامه‌های آگاهی‌بخشی، مهارت‌آموزی و مشاوره تربیتی ویژه دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان»، «استقرار نظام استعدادیابی و هدایت تحصیلی و گسترش



توجه هم‌زمان و یکپارچه به اسناد فرادستی نظام آموزش و پرورش از منظر نگاه این اسناد به دانش‌آموزان صاحب استعدادهای برتر و درخشان، بیانگر ضرورت تدوین نظامی منسجم با عنوان «نظام تربیت استعدادهای برتر در آموزش و پرورش» است.

مشاوره‌های تحصیلی و شغلی به منظور هدایت دانش‌آموزان صاحب استعدادهای برتر به سوی رشته‌های اولویت‌دار کشور متناسب با استعدادهای و علایق آنها» و «ایجاد سازوکارهای فعالیت‌های گروهی دانش‌آموزان صاحب استعدادهای برتر در حوزه‌های مختلف علمی، پژوهشی، فناوری، فرهنگی، هنری، اجتماعی و... و هدایت هدفمند ایشان به مراکز تخصصی».

وظایف مرتبط با تربیت شامل این موارد است: «طراحی و تدوین نظام برنامه‌دستی و تربیتی ویژه صاحبان استعدادهای برتر در مدارس استعدادهای درخشان در چارچوب سند تحول بنیادین و برنامه‌دستی ملی و تصویب شورای عالی آموزش و پرورش»، «ایجاد تسهیلات آموزشی، تربیتی و مقرراتی برای دانش‌آموزان صاحب استعداد برتر

در تمامی مدارس با رعایت عدالت تربیتی» و «تقویت تعامل و توسعه آموزش‌های برون‌مدرسه‌ای به منظور غنی‌سازی محیط‌های متنوع یادگیری برای صاحبان استعدادهای برتر».

سایر وظایف نظام تربیت استعدادهای برتر در آموزش و پرورش را نیز می‌توان بدین شرح برشمرد: «تنوع‌بخشی به مسابقات، رقابت‌ها، جشنواره‌های علمی، پژوهشی، فرهنگی، هنری و المپیادهای دانش‌آموزی»، «حمایت ویژه مادی و معنوی از دانش‌آموزان صاحب استعداد برتر فاقد تمکن مالی و ساکن مناطق محروم و مرزی»، «تسهیل مشارکت بخش غیردولتی، خیرین و نیکوکاران، سازمان‌ها و بنیادهای مردم‌نهاد جهت سرمایه‌گذاری و حمایت از صاحبان استعدادهای برتر» و بالاخره «ارتقای سطح دانش و مهارت مدیران، معلمان و مربیان مدارس برای هدایت هدفمند صاحبان استعدادهای برتر».

شایان ذکر است که تحقق همه موارد فوق، مستلزم ایجاد یک مدیریت واحد ستادی فعال در وزارت آموزش و پرورش جهت برنامه‌ریزی نظام شناسایی، هدایت و آموزش استعدادهای برتر، در هماهنگی با سیاست‌های کلان بنیاد ملی نخبگان است.